

شش مشکل در خصوصی سازی تأمین اجتماعی*

باب ماتسویی

ترجمه دکتر هرمز همایون پور

همزمان با اوج گرفتن موج خصوصی سازی در اوایل دهه ۱۹۸۰ در آمریکا و اروپا، خصوصی سازی تأمین اجتماعی نیز به ناگزیر مطرح شد. در واقع، بخش مهمی از کمبودهای بودجه‌ای دولتهای صنعتی غرب در یکی دو دهه اخیر به هزینه‌های اجتماعی و رفاهی آنها منتسب می‌شود. این دولتها، و اقتصاددانان نئوکلاسیک همراه آنها، این هدف را تعقیب می‌کنند که با کاهش هزینه‌های اجتماعی به تعادل بودجه‌ای دست یابند. اما این هزینه‌ها را که با زندگی روزمره اکثریت قاطع افراد جامعه پیوند دارد به سادگی نمی‌توان کاهش داد. علل و موجبات این امر، و بحثهای له و علیه آن، در مقالات شماره‌های مختلف فصلنامه مطرح شده است و نیازی به تکرار ندارد. مقاله زیر، که از سوی دفتر آقای باب ماتسویی نماینده کنگره آمریکا با همکاری کارکنان دمکرات «کمیته راهکارها و ابزار» تدوین شده است، به شش مشکل عمده که بر سر راه خصوصی سازی خدمات اجتماعی در آمریکا قرار دارد اشاره می‌کند، و از این جهت که اکنون دولت آمریکا در دست جمهوریخواهان است - که از حامیان خصوصی سازی و کوچک کردن هر چه بیشتر دولت هستند - واجد اهمیت خاص است. م.

* Prepared by the Office of Congressman Bob Matsui and the Democratic staff of the Committee on Ways and Means, March 7, 2002.

شش مشکل در خصوصی سازی تأمین اجتماعی

- خصوصی سازی موجب افزایش خطر مالی برای دریافت کنندگان مزایای تأمین اجتماعی می شود.
- خصوصی سازی مستلزم کاهش شدید مزایای تأمین اجتماعی است.
- خصوصی سازی به زنان لطمه می زند.
- خصوصی سازی به اقلیت ها لطمه می زند.
- خصوصی سازی به مزایای ازکارافتادگی و بازماندگان آسیب می زند.
- هزینه های مربوط به مدیریت نظام خصوصی شده باید از حسابهای کارگران تأمین شود و باعث کاهش چشمگیر مزایای دریافتی آنان خواهد شد.

افزایش خطر مالی برای دریافت کنندگان

خصوصی سازی تأمین اجتماعی باعث می شود تا کارگران و خانواده های آنان در معرض مخاطرات مالی بسیار بیشتری قرار گیرند. در نظام خصوصی، مزایای تأمین اجتماعی دیگر تابع درآمدهای کارگران و مشارکتهای مالیاتی آنان در طول خدمتشان نخواهد بود. در عوض، سطح مزایا تابع بولپوسیه های بازار سهام خواهد شد؛ این که یک کارگر چه اندازه مهارت (یا بخت و اقبال) در سرمایه گذاری دارد، و چه زمانی تصمیم به بازنشستگی می گیرد.

- تأمین اجتماعی امروزی، مزایایی تضمین شده برای سراسر عمر فراهم می کند. وضعیت بازار در روزی که بازنشسته می شوید یا ماههای مقدم بر آن، تأثیری بر مزایای دریافتی شما ندارد.
- طرفداران ایجاد حسابهای انفرادی استدلال می کنند که چون نوسانهای بازار سهام در طول زمان معمولاً به یک میانگین می رسد، خطر سرمایه گذاری انفرادی ناچیز است. میانگین در اینجا گمراه کننده است. زیرا در مقابل هر فردی که عملکرد سرمایه گذاری او در بالای این میانگین قرار گیرد، فردی دیگر وجود دارد که عملکرد سرمایه گذاریش زیر میانگین قرار می گیرد و به تأمین اجتماعی متکی می شود. بازنشسته ها میانگین نیستند. آنها افرادی جداگانه اند.

● بین مارس ۲۰۰۰ تا آوریل ۲۰۰۱، شاخص S & P ۵۰۰، معادل ۴۲۴ درجه یا ۲۸ درصد سقوط کرد. اگر تأمین اجتماعی خصوصی شده بود، کارگری که حساب انفرادی او در صندوقی تابع

شاخص مزبور سرمایه گذاری شده بود و در آوریل ۲۰۰۱ بازنشسته می شد، برای باقی عمر معادل ۲۸ درصد کمتر به دست می آورد.

● در قرن گذشته، پانزده سال وجود داشت «۱۹۰۸ - ۱۲، ۱۹۳۷، ۱۹۳۹، ۱۹۶۵ - ۶۶، ۱۹۶۸ - ۱۹۷۳» که طی آنها ارزش واقعی بازار سهام به نسبت دهه قبل بالغ بر ۴۰ درصد سقوط کرد (دفتر بودجه کنگره).

● بین ژانویه ۱۹۷۳ تا سپتامبر ۱۹۷۴، بازار سهام معادل ۴۳ درصد سقوط کرد و کم و بیش به مدت ده سال به بالاترین سطح خود در ۱۹۷۲ بازنگشت (مرکز پژوهشهای بازنشستگی در کالج بوستن). در همین اواخر، شاخص S & P ۵۰۰ معادل ۱۰ درصد در ۲۰۰۰ و ۱۳ درصد در ۲۰۰۱ سقوط کرد.

● تأمین اجتماعی در برابر بسیاری از خطرهای افراد حمایت می کند، از جمله خطر مرگ یا از کارافتادگی، خطر پایین بودن سطح درآمد در طول زندگی، خطر عمر دراز استثنایی، و خطر تورم. خصوصی سازی بر این حمایتها لطمه می زند و خطر دیگری نیز اضافه می کند که کارگران باید نگران آن باشند: خطر مالی انفرادی.

کاهش مزایا

تأمین اجتماعی عمدتاً بر نظام پرداخت جاری کارکنان^۱ مبتنی است. بخش اعظم کسور پرداختی کارگران شاغل صرف پرداخت مقرریهای صاحبان مزایا، اعم از بازنشسته و بازمانده و از کارافتاده، می شود. در نتیجه، چنانچه پول کمتری به تأمین اجتماعی واریز شود، طبعاً پول کمتری برای پرداخت مزایا وجود خواهد داشت.

برنامه ای که در گزارش دسامبر ۲۰۰۱ «کمیسیون ریاست جمهوری برای تقویت تأمین اجتماعی»^۲ مطرح شد و نیز گزارش^۳ ژوئن ۲۰۰۰ «بنیاد قرن»، هر دو، بر این نکته تأکید داشتند که حتی خصوصی سازی بخشی از تأمین اجتماعی به معنای کاهش چشمگیر مزایاست.

1. pay - as - you - go

2. President's Commission to Strengthen Social Security

برای اطلاع از ترکیب و وظایف این کمیسیون، نک: تحولات تأمین اجتماعی، اصلاح نظام بازنشستگی در امریکا، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۸، بهار ۱۳۸۰. م.

۳. پیشنهاد فرماندار بوش برای ایجاد حسابهای انفرادی: تأثیرات آن بر مسترهای بازنشستگی، تدوین هنری آرون، الن بلیندر، الیسیا مونل، و پیترا اورزاگ - چهار تن از برجسته ترین کارشناسان امریکا در حوزه تأمین اجتماعی.

● در طول ۷۵ سال آینده، بنا به برآوردها، تأمین اجتماعی از نظر مالی با کمبودی مواجه خواهد شد که کمابیش برابر دو درصد مالیاتهای حقوق پرداختی است. انتقال ۲ درصد از مالیات حقوق‌ها به حسابهای انفرادی، این کسری را به حدود ۴ درصد مالیاتهای حقوق افزایش خواهد داد.

● "بنیاد قرن" حساب کرده است که اگر این کسری در ۲۰۰۲ به شکلی یکسان بر تمام صاحبان مزایای ۵۵ ساله و جوانتر بار می‌شد، شکاف ۴ درصدی مزبور الزاماً به معنای کاهشی معادل ۴۱ درصد از مزایا می‌بود. چنانچه این کاهش مرحله به مرحله صورت می‌گرفت، کارگران سالخورده‌تر متحمل کاهش کمتری می‌بودند، اما کارگران ۳۰ ساله و جوانتر در ۲۰۰۲، شاهد کاهشی تا ۵۴ درصد می‌شدند. کارگران ۳۵ تا ۵۵ ساله، در سناریوی مرحله به مرحله، متحمل کاهشی معادل ۲۵ تا ۴۶ درصد در مزایای خود می‌شدند. (برای تفصیل بیشتر، نک: پیوست).

● یکی از برنامه‌های مطرح شده در گزارش کمیسیون ریاست جمهوری مزبور پیشنهاد می‌کرد که از ۱۲/۴ درصد مالیات حقوق که اکنون به صندوقهای اعتباری تأمین اجتماعی واریز می‌شود، معادل ۲/۴ درصد به حسابهای انفرادی ریخته شود. در این صورت، میزان پولی که برای پرداخت مزایای تأمین اجتماعی فراهم می‌شد، بین سال مالی ۲۰۰۳ تا سال مالی ۲۰۱۲ معادل ۱/۵ تریلیون دلار کاهش می‌یافت. حتی محدودترین برنامه پیشنهادی کمیسیون، که بر انتقال ۱/۳۳ درصد از وجوه مبتنی بود، صندوقهای اعتباری را در طول ۱۰ سال آینده از ۱/۲ تریلیون دلار محروم می‌کرد.

● به منظور تأمین هزینه‌های خصوصی‌سازی، کمیسیون پیشنهاد کرد که از میزان مزایای بازنشستگان آینده بین ۳۰ تا ۴۶ درصد کاسته شود، مقرری از کارافتادگان و بازماندگان کم شود، سن بازنشستگی افزایش یابد، و کسور بر کل درآمدهای افراد مبتنی شود. کمیسیون دقیقاً مشخص نکرد که چه مالیاتهایی [کسوری] باید افزایش یابد، یا از کدام هزینه‌ها و پرداختها باید کاسته شود، تا اعتبارات مورد نیاز اجرای برنامه‌های پیشنهادی فراهم شود.

● حسابهای انفرادی داوطلبانه است، اما کاهش‌ها اجباری است. رئیس‌جمهور و کمیسیون او تأکید داشتند که حسابها باید اختیاری باشد. اما کاهش مزایایی که کمیسیون پیشنهاد کرد تا اعتبارات مورد نیاز برای انتقال وجوه به حسابهای انفرادی فراهم شود، شامل تمام دریافت‌کنندگان مزایا در آینده می‌شد نه فقط آنهایی که دارای حساب انفرادی بودند.

خصوصی سازی به زنان لطمه می زند

زنان اکثریت دریافت کنندگان مزایای تأمین اجتماعی را تشکیل می دهند - حدود ۶۰ درصد از صاحبان مزایا که بیش از ۶۰ سال دارند و کم و بیش حدود ۷۲ درصد از دریافت کنندگان مزایا که بیش از ۸۵ سال دارند زن هستند. زنان به شدت به تأمین اجتماعی به عنوان منبع درآمد روزگار سالخوردهگی وابسته اند - ۲۷ درصد از زنانی که بیشتر از ۶۵ سال دارند، حدود ۹۰ درصد از درآمد خود را از تأمین اجتماعی می گیرند. بدین ترتیب، خصوصی سازی تأمین اجتماعی، بسیاری از منافی را که این کار ممکن است برای زنان داشته باشد عملاً بی اثر می کند.

● زنان، به طور میانگین، کمتر از مردان درآمد دارند، یعنی آنها روی ساختار مزایای تصاعدی تأمین اجتماعی حساب می کنند تا اطمینان یابند که برای ایام سالخوردهگی درآمد کافی خواهند داشت. (ساختار مزایای تصاعدی بدین معناست که نسبت بالاتری از درآمدهای قبل از بازنشستگی کارگران کم درآمد، در قیاس با کارگران پردرآمد، از طریق تأمین اجتماعی تأمین می شود.)

● احتمال آنکه زنان تحت پوشش آن طرحهای بازنشستگی قرار گیرند که به حمایت مالی کارفرمایان متکی است کمتر است. بنابراین، مزایای تأمین اجتماعی، بخش بزرگتری از درآمد دوران بازنشستگی زنان را تأمین می کند.

● از آنجا که زنان به طور متوسط حدود ۱۴ سال درآمد را به خاطر خارج از محل کار بودن از دست می دهند (تا بتوانند به پرورش کودکان بپردازند یا وظایف مراقبتی از والدین یا شوهران خود را انجام دهند)، و نیز از آنجا که زنان معمولاً بیشتر از مردان به کارهای پاره وقت اشتغال دارند، فرصت آنها برای پس انداز جهت دوران بازنشستگی کمتر است.

● زنان معمولاً بین ۶ تا ۸ سال بیشتر از مردان زندگی می کنند؛ بنابراین، پس اندازهای آنان برای دوران بازنشستگی بین سالهای بیشتری تقسیم می شود. در نتیجه، زنان به مزایای تمام عمر تأمین اجتماعی، که از آنها کاملاً در برابر تورم حمایت می کند، وابستگی کامل دارند.

● حسابهای انفرادی تراز دارد و سود سالانه حاصل از آنها نتیجه مستقیم مبالغی است که به حسابها واریز می شود به اضافه بهره حاصل از سرمایه گذاری آنها. از آنجا که زنان درآمد کمتری دارند و اوقات کمتری در محل کار می گذرانند، مبالغ کمتری برای پس انداز در اختیار دارند. همچنین، از آنجا که زنان در بازنشستگی عمری طولانیتر دارند، ناچارند درآمد حاصل از

حساب انفرادی خود را در سالهای بیشتری به مصرف برسانند. خلاصه آنکه، زنان ناچارند با درآمد کمتری که از پس انداز کمتر آنها به دست می‌آید زندگی کنند.

● هیچ پیشنهاد خصوصی سازی نمی‌تواند مانع از تأثیر تورم بر تراز حسابهای انفرادی شود. این امر، بخصوص برای زنان که پول کمتری برای دوران بازنشستگی دارند، و ناچارند درآمد بازنشستگی خود را در سالیانی طولانیتر به مصرف برسانند، فاجعه‌بار است. تأمین اجتماعی با تعدیل سالانه مزایا این مشکل را حل می‌کند. این تعدیل، متکی است بر تطبیق خود به خود هزینه زندگی با افزایش سالانه شاخص بهای مصرف کننده، یعنی شاخصی که وسیله رسمی اندازه گیری تورم است.

خصوصی سازی به اقلیت‌ها لطمه می‌زند

تأمین اجتماعی، مهمترین منبع واحد درآمد برای امریکاییان افریقایی تبار و اسپانیایی تبارهای بازنشسته است. به طور میانگین، تأمین کننده حدود سه چهارم از درآمد دوران بازنشستگی این جماعتهاست. برای هر ۱ نفر از هر ۲ نفر امریکایی - افریقایی یا اسپانیایی تبار سالخورده، مزایای تأمین اجتماعی فراهم کننده ۹۰ درصد یا بیشتر از کل درآمد است. خصوصی سازی، این حمایتهایی را که برای مردان رنگین پوست واجد نهایت اهمیت است، به خطر می‌اندازد.

● تأمین اجتماعی در واقع بیمه‌ای است که به شکل مادام‌العمر از افراد در برابر درآمد کم حمایت می‌کند. این نظام دارای یک فرمول تصاعدی برای مزایاست که برای افراد کم درآمد، به نسبت دستمزدهای آنها، مزایای زیادتری از افراد دارای دستمزد بالا تأمین می‌کند. این امر، برای بسیاری از اعضای گروههای اقلیت، یکی از مهمترین وجوه تأمین اجتماعی است. در ۱۹۹۶، متوسط درآمد امریکایی - افریقایی تبارها معادل ۱۵,۰۰۰ دلار، و برای اسپانیایی تبارها معادل ۱۴,۰۰۰ دلار در سال بود. متوسط درآمد عمومی، در همان سال، به ۱۹,۰۰۰ دلار بالغ می‌شد. در شرایط خصوصی سازی، کارگران کم درآمد، بخشی از حمایت تقویتی را که از طریق ساختار مزایای تصاعدی تأمین اجتماعی نصیب آنها می‌شود از دست خواهند داد. این امر بدین سبب است که حسابهای پس انداز انفرادی - که بر درصدی ثابت از دستمزد (یعنی، بر ساختاری غیر تصاعدی) متکی است - جانشین مزایای تأمین اجتماعی خواهد شد به شکل تصاعدی محاسبه می‌شود.

- بازنشستگانی که به اقلیت‌ها تعلق دارند، به احتمال قوی، از لحاظ درآمد دوران بازنشستگی خود به شدت به تأمین اجتماعی وابسته‌اند. فقط ۲۸ درصد از آمریکایی - آفریقایی‌ها و ۲۱ درصد از اسپانیایی تبارها، مقرری و منبع درآمدی بجز تأمین اجتماعی دارند. چنانچه مزایای تأمین اجتماعی به سبب خصوصی سازی کاهش پذیرد، آنها هیچ تکیه‌گاه دیگری ندارند.
- درآمد متوسط آمریکایی - آفریقایی‌های سالخورده چشمگیر نیست - در ۱۹۹۸، برای مجردها کمتر از ۸,۰۰۰ دلار و برای زوج‌های متأهل حدود ۲۲,۰۰۰ دلار بود. در جماعت اسپانیایی تبارها، درآمد متوسط حتی از این هم کمتر است - ۷,۸۰۰ دلار برای مجردها و ۱۷,۲۰۰ دلار برای متأهل‌ها. با چنین درآمد ناچیز، مزایای ماهانه‌ای که تأمین اجتماعی تضمین می‌کند اهمیت خاص دارد، و از همین رو، چنانچه سطح درآمد به شکلی غیرمنتظر کاهش پیدا کند - چنانکه در نظام حسابهای پس‌انداز انفرادی احتمال آن زیاد است - امکان چندانی برای مقابله با فقر و مسکنت جماعات مزبور باقی نمی‌ماند.
- تأمین اجتماعی، مقرریهایی به از کارافتادگان و بازماندگان می‌پردازد که در بخش خصوصی هم‌تا ندارد. در صورت خصوصی سازی نظام تأمین اجتماعی، این حمایت لطمه خواهد دید. زیرا بناچار باید از مزایا کاست تا وجوه لازم برای واریزه به حسابهای انفرادی فراهم شود، در صورتی که سود حاصل از این حسابها جبرانگر مزایای از دست رفته نخواهد بود. حمایت بیمه‌ای از بازماندگان و از کارافتادگان، بخصوص برای آمریکایی - آفریقایی‌ها دارای اهمیت خاص است، زیرا آنها هستند که معمولاً نرخ بالاتری از مرگ زودرس و از کارافتادگی دارند. آمریکایی - آفریقایی‌ها فقط ۱۲ درصد از جمعیت ایالات متحد را تشکیل می‌دهند، اما ۱۷ درصد از مقرریهای از کارافتادگی تأمین اجتماعی به آنها پرداخت می‌شود.
- تأمین اجتماعی، بیمه خانوادگی است. کسانی که از لحاظ مالی به نان‌آوری متکی‌اند که می‌میرد، افرادی که از کارافتاده می‌شوند، و نیز بازنشسته‌ها برای دریافت مزایای تأمین اجتماعی واجد شرایط هستند. این گروه‌ها شامل همسران بیوه، کودکان صغیر، و کودکان بالگی که از بچگی ناتوان بوده‌اند می‌شود. برای حسابهای پس‌انداز انفرادی دشوار است تا برای وابستگان کارگرها همان حمایت و تأمین را فراهم کنند که نظام تأمین اجتماعی فراهم می‌کند، زیرا در این حسابها فقط مبلغی معین وجود دارد که باید صرف تمام وابستگان شود. مزایای خانواده تأمین

اجتماعی، بخصوص برای امریکایی - آفریقایی تبارها واجد نهایت اهمیت است: نزدیک به یک پنجم از تمام امریکایی - آفریقایی هایی که مزایای تأمین اجتماعی می گیرند کودکان هستند.

آثار خصوصی سازی بر ازکارافتاده ها و بازماندگان

تأمین اجتماعی چیزی بیشتر از یک برنامه صرفاً بازنشستگی است. تا دسامبر ۲۰۰۱، ۱۳/۸ میلیون نفر - یا حدود ۳۰ درصد از مجموع دریافت کنندگان مزایای تأمین اجتماعی - مقررری خویش را بدین سبب می گرفتند که خود یا یکی از اعضای خانواده آنها ازکارافتاده بودند یا یکی از اعضای خانواده آنها در گذشته بود. علاوه بر این، تخمین زده می شود که یک جوان بیست ساله امروزی، معادل ۱ در ۶ احتمال دارد که پیش از رسیدن به سن بازنشستگی بمیرد یا معادل ۳ در ۱۰ احتمال آن می رود که قبل از رسیدن به سن بازنشستگی ازکارافتاده و ناتوان شود. بدین ترتیب، بیمه بازماندگی و ازکارافتادگی در آینده نیز همین اهمیت کنونی را خواهد داشت.

● برای یک کارگر ۲۷ ساله با همسر و دو فرزند، تأمین اجتماعی فراهم کننده معادل ۴۰۳,۰۰۰ دلار بیمه عمر یا ۳۵۳,۰۰۰ دلار بیمه ازکارافتادگی است. بخش اعظم کارگران قادر نخواهند بود در بازارهای خصوصی به چنین پوششی دست یابند.

● در ۱۹۹۶، فقط ۲۶ درصد از کارکنان بخش خصوصی تحت پوشش طرحهای بیمه ای بلند مدت ازکارافتادگی برخوردار از حمایت ملی کارفرمایان^۱ قرار داشتند.

● در مورد مستمری بازنشستگی، کارگران معمولاً، در کل مدت خدمت خود، حسابهای انفرادی شان را تراز می کنند. در موارد مقرریهای بازماندگی و ازکارافتادگی، تراز حسابها در طول مدتی خیلی کوتاهتر انجام می گیرد و، بنابراین، تأمین کننده درآمد بسیار کمتری در صورت فوت یا ازکارافتادگی کارگران است.

● در ژانویه ۲۰۰۱، پس از بررسی شماری از طرحهای خصوصی سازی، "سازمان حسابرسی عمومی"^۲ به این نتیجه رسید که: «درآمد ناشی از [حسابهای انفرادی کارگران] برای جبران کاهشی که در مزایای بیمه ای نصیب ازکارافتاده ها خواهد شد کافی نخواهد بود.»

● «کمیسیون تأمین اجتماعی ریاست جمهوری» توصیه کرد به منظور کمک به پرداخت هزینه حسابهای خصوصی، مقرریهای از کارافتادگی کم شود. همچنین، دسترسی به حسابها را قبل از رسیدن به سن بازنشستگی ممنوع کرد. این امر، ضربه‌ای دوگانه به کارگران از کارافتاده محسوب می‌شود - کاهش مقرری‌های تأمین اجتماعی، و عدم امکان بهره‌برداری از موجودی حسابها برای جبران زیان فوق.

● اگر عناصر بیمه‌ای ناظر بر بازماندگی و از کارافتادگی در برنامه کمیسیون، از کاهش مقرری‌ها جدا می‌شد، آنگاه کاهش‌های بس بیشتری لازم می‌شد تا بتوان سطح کلی کاهش هزینه را در همان میزان قبلی باقی نگاه داشت - کاهشهایی که ضروری است، زیرا کم شدن درآمد صندوقهای اعتباری به خاطر هزینه حسابهای انفرادی باید به شکلی جبران شود.

هزینه‌های مدیریت و تنظیم مستمری‌های سالانه نظام خصوصی

مدیریت یک نظام خصوصی تأمین اجتماعی کاری بسیار دشوار و پیچیده است، و هزینه‌های آن تأثیری چشمگیر بر امنیت کارگران در دوران بازنشستگی خواهد داشت. به قول «مؤسسه پژوهش در باب مزایای کارکنان»^۱، «افزودن حسابهای انفرادی به نظام تأمین اجتماعی می‌تواند بزرگترین اقدام در تاریخ بازار مالی ایالات متحد باشد، و تا به امروز هیچ نظامی توانایی مدیریت چنین نظامی را نداشته است.»

- تحت نظام حسابهای خصوصی، احتمال کلی بر این است که کارگران بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از ارزش حسابهای خود را به خاطر جبران هزینه‌های مدیریت و اداره نظام از دست دهند.
- کار مزدی معادل سالانه ۱ درصد از دارایی تحت مدیریت، حدود ۲۰ درصد از ارزش حسابهای انفرادی کارگران را در طول کار راه ۲ و خدمتی ۴۰ ساله جذب خواهد کرد.
- کار مزدی معادل سالانه ۲ درصد، حدود ۴۰ درصد از حساب کارگران را در طول خدمت آنها خواهد بلعید. بنا به اطلاعات مربوط به اواخر سال ۱۹۹۸، که از سوی «مؤسسه سرمایه‌گذاری شرکتها»^۲ منتشر شده است، میانگین هزینه مدیریت صندوقهای تضامنی در سال معادل ۱/۴۹ درصد است.

1. Employee Benefit Research Institute

2. Career

3. Investment Company Institute

● هزینه‌های مدیریت در نظام داوطلبانه حساب انفرادی در بریتانیا، تراز حساب یک کارگر معمولی را ۳۶ درصد کاهش داد (در قیاس با ترازى که بدون هیچ هزینه مدیریت متراکم می‌شد).

● هزینه‌های مدیریت نظام تأمین اجتماعی [دولتی]، معادل کمتر از ۱ درصد ارزش مزایاست، که آن را باید با هزینه ۲۰ تا ۴۰ درصدی نظام حسابهای انفرادی مقایسه کرد. برخلاف صندوقهای سرمایه‌گذاری خصوصی، که هزینه‌های خود را از محل حسابهای انفرادی تأمین می‌کنند، هزینه‌های مدیریت تأمین اجتماعی [دولتی] هیچ اثری بر سطح مزایای پرداختی ندارد.

● تراز حسابهای انفرادی کارگران، به سبب هزینه خرید یک مستمری سالانه^۱، باز هم کاهش می‌یابد. تأمین اجتماعی [دولتی]، جریانی تضمین شده از پرداخت مزایا را تا زمانی که کارگر (یا همسر او) حیات دارد تأمین می‌کند. برای تکرار این جریان پرداخت مزایای مادام‌العمر در نظام خصوصی، و به منظور حصول اطمینان از این امر که مزایای مادام‌العمر از تراز حسابهای انفرادی تجاوز نخواهد کرد، کارگران باید یک مستمری سالانه را در قالب تراز حسابهای خود بخرند. "سازمان حسابرسی عمومی" در گزارشی که در ۱۹۹۹ منتشر ساخت به این یافته رسید که خرید یک مستمری سالانه می‌تواند معادل ۱۵ درصد از تراز حساب کارگران تمام شود (و این علاوه بر سایر زیانهایی است که به سبب هزینه‌های مدیریت که در اینجا توضیح داده شده است به کارگران وارد می‌شود).

● هزینه‌های مدیریت یک نظام حسابهای انفرادی به عواملی چند بستگی دارد، از جمله میزان تمرکز مدیریت صندوق، دامنه انتخابهای سرمایه‌گذاری که در اختیار کارگران قرار می‌گیرد، سطح خدماتی که در چنین نظامی به مصرف‌کننده‌ها عرضه می‌شود (مثلاً، دسترسی تلفنی به اطلاعات مربوط به حساب، فواصل ارسال صورت حساب، و غیره)، و مقررات و قواعد ناظر بر حسابها. از آنجا که طرفداران حسابهای انفرادی به ندرت در باب این جزئیات بحث می‌کنند، برآورد نظری این موضوع که مدیریت حسابها چه هزینه‌هایی خواهد داشت کار دشواری است.

1. annuity

پیوست

خصوصی سازی تأمین اجتماعی باعث کاهش معادل ۵۴ درصد در مزایای کارگران جوان خواهد شد.

در ژوئن ۲۰۰۰، "بنیاد قرن" گزارشی تحت عنوان: پیشنهاد فرماندار بوش برای ایجاد حسابهای انفرادی: تأثیرات آن بر مستمری های بازنشستگی منتشر کرد. این گزارش را هنری آردن، الن پلیندر، الیسیا مونل، و پیتر اورزاگ - چهار تن از برجسته ترین کارشناسان تأمین اجتماعی - نوشته بودند. گزارش مزبور به این یافته رسید که اگر ۲ درصد از فهرست پرداختهای مالیاتی کنونی به حسابهای انفرادی بازنشستگی منتقل شود، مزایای تأمین اجتماعی برای کارگران ۳۰ ساله و جوانتر در ۲۰۰۲ تا حدود ۵۴ درصد کاهش می یافت، تا بتوان توانایی پرداخت تعهدات درازمدت تأمین اجتماعی را تضمین کرد. توضیحات زیر نشان می دهد که "بنیاد قرن" چگونه به این رقم ۵۴ درصد رسیده است:

- در ۷۵ سال بعد، تأمین اجتماعی با کمبودی مالی مواجه خواهد شد که تخمین زده می شود کم و بیش معادل دو درصد از پرداختهای مالیاتی باشد.
- انتقال ۲ درصد از پرداختهای مالیاتی به حسابهای انفرادی بازنشستگی، الزاماً میزان کمبود را به نزدیک ۴ درصد از پرداختهای مالیاتی افزایش خواهد داد.
- این کمبود را فقط از طریق یکی از این چهارراه می توان حذف کرد: (۱) افزایش پرداختهای مالیاتی، (۲) سرمایه گذاری بخشی از اعتبارات صندوقهای اعتباری تأمین اجتماعی در بازار سهام، (۳) انتقال اعتبارات عمومی به تأمین اجتماعی از طریق انتقال درآمدهای مازاد نامربوط به تأمین اجتماعی، یا (۴) کاهش مزایای تأمین اجتماعی.
- از آنجا که پرزیدنت بوش توسل به دو گزینه^۲ نخست را بارها مردود شمرده است، و سیاستهای مالیاتی و بودجه ای او تحقق گزینه سوم را عملاً غیر ممکن می کند؛ گزارش "بنیاد

1. The Century Foundation (TCF)

2. option

قرن" چنین فرض می‌کند که ۲ درصد مربوط به طرح خصوصی سازی بناچار باید از راه کاهش چشمگیر در مزایا تأمین شود تا بتوان به تعهدات دراز مدت تأمین اجتماعی پایبند ماند.

○ گزارش "بنیاد قرن" این‌طور محاسبه می‌کند که اگر کاهش‌ها در سال ۲۰۰۲ به‌طور یکسان شامل تمام مزایابگیران ۵۵ ساله و جوانتر شود، برای پرکردن شکاف ۴ درصدی مالیاتهای پرداختی الزاماً باید تا حدود ۴۱ درصد در مزایا کاهش داد. اگر این کاهش مرحله به مرحله صورت می‌گرفت، به شکلی که کارگران سالخورده مشمول کاهش کمتری شوند، مزایای کارگران ۳۰ ساله و جوانتر باید در سال ۲۰۰۲ به میزان ۵۴ درصد کاهش می‌یافت. در سناریوی مرحله به مرحله، کارگرانی که سن آنها بین ۳۵ تا ۵۵ سال بود، متحمل کاهشی در مزایای خود معادل ۲۵ تا ۴۶ درصد می‌شدند.

○ گزارش "بنیاد قرن" چنین فرض می‌کند که مقرری‌های بازماندگان نیز مشمول کاهشی معادل مستمری‌های بازنشستگی خواهد شد. با این حال، برزیدنت بوش، به عنوان یکی از اصول "کمیسیون تأمین اجتماعی" خود ادعا می‌کند که «عناصر مربوط به از کارافتادگی و بازماندگی را در تأمین اجتماعی حفظ خواهد کرد.» اگر مقرری‌های بازماندگان از کاهش‌های مزایا محفوظ بماند، در این صورت بناچار باید کاهشهایی بس بیشتر در مستمری‌های بازنشستگی صورت داد.

○ باید به این نکته توجه داشت که کاهش ۵۴ درصدی مزایای تأمین اجتماعی شامل هیچ یک از پرداختهایی که از حسابهای انفرادی کارگران صورت می‌گیرد نخواهد بود. با این حال، گزارش "بنیاد قرن" به این یافته می‌رسد که حتی اگر پرداختها از حسابهای انفرادی مشمول کاهش فوق قرار گیرد، باز کارگران ۳۰ ساله و جوانتر، در قیاس با مزایای قانون کنونی تأمین اجتماعی، متحمل زبانی معادل ۲۰ درصد در مستمری بازنشستگی خود خواهند شد. وضع کارگران کم دستمزد و زوجهای متأهل حتی از این هم بدتر خواهد بود. بنا به گزارش "بنیاد قرن"، اینها شاهد کاهشی کلی تا حدود ۳۸ درصد در مزایای خود خواهند شد.